

وجوه اثرپذیری محمدعلی فروغی در مکاتبات از منشآت قائم مقام (از تقلید تا نوآوری)

عفت نقابی*

نیلوفر عبداللهی**

چکیده

محمدعلی فروغی از رجال صاحب‌نام معاصر در حوزه سیاست، فرهنگ و حقوق به شمار می‌رود. دو وجهه سیاسی و فرهنگی او، انگیزه نگارش مکاتباتی مرتبط با این موضوع‌ها بوده است. به‌سبب آشنایی فروغی با ادبیات کهن و دلیستگی به فرهنگ ایران، نامه‌های او علاوه بر آثار کهن ادبی، از ساختار منشآت پیشینیان تأثیر پذیرفته است. با نگاهی به این مکاتبات می‌توان تأثیر منشآت قائم مقام فراهانی را به‌وضوح مشاهده کرد. او رعین تقلید از سبک قائم مقام، در نامه‌ها، نوآوری‌هایی نیز داشته است. با عنایت به این مسئله، در مقاله حاضر، با درنظرداشتن منشآت قائم مقام بهمنزله نمونه‌ای از سبک بازگشت، میزان نوآوری و تأثیرپذیری فروغی از مکاتبات قائم مقام بررسی شده است. به‌همین‌منظور، ۱۱ نامه از نامه‌های فروغی از کتاب سیاست‌نامه ذکاء‌الملک و ۱۱ نامه از منشآت قائم مقام، در سه حوزه دوستانه، سیاسی و اجتماعی، واکاوی شده است. یافته‌ها نشان داد که اگرچه فروغی در ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی از نامه‌های قائم مقام متأثر است، در حوزه محتوا و مفاهیم نوآوری‌هایی داشته است. نوآوری ذکاء‌الملک در تلفیق سبک بازگشت با مفاهیم اجتماعی‌سیاسی مدرن است. فروغی در نگارش نامه‌ها به اوضاع زمانه و فهم مردم توجه ویژه داشته است؛ از این‌رو، علاوه‌براینکه از سبک بازگشت (و به‌طور خاص منشآت) متأثر بوده، با برخی شگردها و ظرایف بیانی نقاط ضعف آن را برطرف کرده است. فروغی با استفاده از این شیوه نگارش، به دو هدف جلب نظر مخاطبان به ترویج فرهنگ و ادبیات فارسی و رساندن مفاهیم نوگرایانه، در کنار نگارش مسائل روز جامعه دست یافته است. در نامه‌های سیاسی و اجتماعی او شاهد تقلید از متون دشوار ادبی-تاریخی هستیم، اما مکاتبات دوستانه او به‌سبب الگوبرداری از متون غنایی، لطفات و دل‌انگیزی خاصی دارد، به‌طوری‌که خواندن این نامه‌ها نسبت به نامه‌های اجتماعی التذاذ ادبی بیشتری به خواننده می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: محمدعلی فروغی، قائم مقام فراهانی، منشآت، سبک بازگشت، نامه‌های سیاسی، اخوانیات.

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، e.neghabi@khu.ac.ir

**پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، nsabdollahy@ut.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۳

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شماره ۹۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۳۷-۲۶۳

Aspects of Muhammad Ali Foroughi's Letters Influenced by Farahani's *Monsha'at*: From imitation to innovation

Effat Neghâbi*

Niloofer Sâdât Abdollâhi**

Abstract

Mohammad Ali Foroughi (also known as Zoka-ol-Molk) is regarded as one of the well-known contemporary Iranian men in politics, culture, and law. His political and cultural careers motivated him to correspond with many educated friends about these issues. Due to Foroughi's familiarity with ancient literature and his attachment to Iranian culture, his letters have been influenced by the style of his predecessors in addition to the earlier literary works. By perusing these letters, one can visibly see the influence of Ghaem Magham Farahani's *Monsha'at* (Letters). While imitating the style of Farahani, Foroughi had innovations in his letters. The present article aims to reveal the extent of Foroughi's innovation and his being influenced by Ghaem Magham's letters by considering Farahani's letters as an example of the return style. In the current study 11 letters from Foroughi, collected in Zoka-ol-Molk's policy book, and 11 letters from Ghaem Magham's *Monsha'at*, fallen into friendship, politics, and social categories, were analyzed. It was found that although Foroughi was influenced by the letter styles, literary techniques, and linguistic features of Farahani's letters, he made innovations in their contents and concepts. Zoka-ol-Molk's innovations can be seen in combining the return style with modern socio-political concepts. In writing letters, Foroughi paid special attention to the temporal conditions and people's understanding. Therefore, besides being influenced by the return style (especially that of *Monsha'at*), he overcame its weaknesses with some expressive tricks and subtleties. By using this way of writing, Foroughi has achieved the goals of attracting the attention of the audience to promoting Persian culture and literature and conveying modern concepts along with reporting on current social issues. In his political and social letters, we see him imitating demanding literary-historical texts; while his friendly letters are very tender and heartwarming due to imitating lyrical texts. Hence, reading these letters gives the reader more literary pleasure than social letters.

Keywords: Muhammad Ali Foroughi, Qâem Maqâm Farahani, *Monsha'at*, Return Style, Political Letters, Ekhvâniyât.

* Associate Professor of Persian Lanuge and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), *e.neghabi@khu.ac.ir*

** Postdoctoral Researcher in Persian Language and Literature, Kharazmi University of Tehran, Iran, *NSAbdollahy@ut.ac.ir*

۱. مقدمه

نامه‌نگاری از اشکال رایج برقراری ارتباط میان دو سوی مذاکره / مخاطبه به‌شمار می‌رود. در هریک از دو سو، فرد یا افرادی حضور دارند که با هدف اطلاع‌رسانی و سوق‌دادن مخاطب به‌سوی هدفِ خود، در قالب نوشته با یکدیگر سخن می‌گویند. مفاهیمی که در نامه‌ها بهصورت‌های مختلف بیان می‌شوند، به سطح دانش و درک نویسنده و مخاطب نامه وابسته است. در لابه‌لای بسیاری از آثار ادبی منظوم و منثور، نامه‌هایی مشاهده می‌شود؛ از این‌رو، ساختار مفهومی و صوری مکاتبات از دوره‌های آغازین شعر و ادب فارسی مورد توجه بوده است. نامه‌های نقل‌شده در شاهنامه و متونی از این دست گواه این مدعاست. در سبک خراسانی و عراقي (خواه نظم یا نثر) جزئیات نامه‌نگاری بدقت رعایت می‌شود. این شیوه در دوره بازگشت، مجددًا مورد توجه قرار گرفت و ویژگی‌های زبانی آن، همچون کاربرد واژه‌های کهن، ساختهای دستوری قدیمی و نقل شواهدی از ادب فارسی و عربی، بار دیگر به متون ادبی بازگشت. درواقع، در دوره بازگشت، شاهد نگاهی دوباره به تاریخ ادب فارسی هستیم. نگارندگان این سبک، در صورت آثارشان از ادبیات کهن بهره گرفته‌اند، ولی به مفاهیم مطرح در زمانه خودشان کم‌توجهی کرده‌اند. به‌همین‌سبب، ادبیات در عهد بازگشت همچنان در انحصار طبقهٔ باسواند و مرفه جامعه ماند و طبقهٔ متوسط جامعه از آن نصیب چندانی نیافت. نامه‌نگاری نیز مانند سرایش اشعار و نگارش آثار منثور در این عهد بهصورت تقليدي صرف از ادب کهن درآمد. این‌شیوه، اندک‌اندک رو به دشواری گذاشت، بهطوری‌که درک این متون تنها برای عده‌ای خاص میسر بود. در این‌میان، قائم مقام فراهانی شخصیتی نوآور است. او در نگارش منشآت، در کنار حفظ لطافت بیان، نگاهی تازه را به ادبیات وارد کرد. نمایندهٔ شایستهٔ این نگاه در دوره‌های بعد محمدعلی فروغی است. قائم مقام و فروغی از دیدگاه شخصیت، دانش ادبی و مسئولیت‌های اجتماعی‌ای که بر عهده داشتند، با هم مشابهت دارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان فروغی را همتای قائم مقام در سال‌های پایانی سلطنت قاجاریه و تمام دوره پهلوی دانست. این شباهت در نوشه‌های ایشان هم آشکار است. با عنایت به این مسئله، در این مقاله، نامه‌های محمدعلی فروغی و منشآت قائم مقام فراهانی واکاوی شده است تا از این طریق وجود اشتراک نامه‌ها و تأثیرپذیری فروغی از منشآت مطالعه و نوآوری‌های فروغی در نامه‌ها مشخص شود.

۱. پیشینهٔ پژوهش

تحقیقاتی را که درباب منشآت قائم مقام صورت گرفته است می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دستهٔ نخست، به بررسی سبک منشآت ازنظر شیوه و متونی که از آنها تقلید شده است پرداخته‌اند. این دسته بیشتر گلستان سعدی را در نظر داشته‌اند. از جمله پژوهش‌های ذیل: «مقایسه سبکی منشآت قائم مقام و گلستان سعدی» (علامی و کیانیان، ۱۳۸۹)؛ «بررسی استشهاد به عنوان یک آرایهٔ تعلیمی در منشآت قائم مقام در مقایسه با گلستان سعدی» (بیرنگ و تجلیل، ۱۳۹۶)؛ «مقایسه بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی» (آشوری و همکاران، ۱۴۰۱).

دستهٔ دوم این پژوهش‌ها، به مفردات و عبارات منشآت مربوط است که محققان به بررسی واژه‌ها و عبارات کاربردی در نامه‌های قائم مقام پرداخته و منشأ آنها را بیان کرده‌اند. مقاله «کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم مقام» (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴) از این نوع است. دستهٔ آخر هم به منشآت نگاهی محتوایی داشته‌اند. دو مقاله «نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم مقام» (حسنی و صحرایی، ۱۳۹۹) و «تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی براساس نظریهٔ کاربردشناسی اصول ادب» (ایشانی و همکاران، ۱۴۰۰) در این گروه قرار می‌گیرند.

مطالعات درباب نامه‌های فروغی، در مرتبهٔ نخست، ناظر بر گردآوری دقیق است. نامه‌ها و خطابهای فروغی در کتاب سیاستنامهٔ ذکاء‌الملک (فروغی، ۱۴۰۰) گردآوری شده است. برخی تحقیقات هم به محتوای مکاتبات او از منظر تحلیل‌های سیاسی و تاریخی توجه کرده‌اند که به‌سبب تفاوت رویکردن با مقالهٔ حاضر از ذکر آنها چشم‌پوشی می‌کنیم. با توجه به پژوهش‌های پیشین، باید گفت تاکنون سبک فروغی در نگارش نامه‌ها و نیز ظرایف بلاغی و متن اثرگذار بر این نگاشته‌ها در تحقیقات علمی مورد توجه قرار نگرفته است. در مقالهٔ حاضر به این موضوع پرداخته شده است.

۲. روش و دامنهٔ پژوهش

موضوع پژوهش، بررسی نامه‌های فروغی و منشآت قائم مقام است. دامنهٔ پژوهش ۱۱ نامه از نامه‌های فروغی، گردآوری شده در کتاب سیاستنامهٔ ذکاء‌الملک و ۱۱ نامه از منشآت قائم مقام است که به‌سبب اهمیت مورد بررسی قرار گرفته است. این نامه‌ها در سه حوزهٔ دوستانه،

سیاسی و اجتماعی نگاشته شده‌اند. نامه‌های فروغی و قائم مقام از دیدگاه محتوایی و به ترتیب

شماره صفحه در مراجع مقاله در جدول‌های زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. نامه‌های فروغی

Table 1. Foroughhi's Letters

موضع	عنوان نامه و شماره صفحه در منبع	شماره
دوستانه/اجتماعی	نامه به ابراهیم حکیم‌الملک/ص ۶۵	۱
دوستانه	نامه خصوصی به محمود وصال/ص ۷۷	۲
دوستانه/سیاسی/اجتماعی	نامه ذکاء‌الملک به تقی‌زاده (۱)/ص ۹۵	۳
دوستانه/سیاسی/اجتماعی	نامه ذکاء‌الملک به تقی‌زاده (۲)/ص ۹۷	۴
دوستانه/سیاسی/اجتماعی	نامه ذکاء‌الملک به تقی‌زاده (۳)/ص ۱۰۰	۵
دوستانه/سیاسی/اجتماعی	نامه ذکاء‌الملک به تقی‌زاده (۴)/ص ۱۰۴	۶
اجتماعی/دوستانه	نامه به مستشار‌الدوله صادق (سفیر‌کبیر ایران در ترکیه) (۱)/ص ۱۸۹	۷
اجتماعی	نامه به مستشار‌الدوله صادق (سفیر‌کبیر ایران در ترکیه) (۲)/ص ۱۹۳	۸
اجتماعی/دوستانه	نامه به مستشار‌الدوله صادق (سفیر‌کبیر ایران در ترکیه) (۳)/ص ۱۹۴	۹
اجتماعی	نامه به مستشار‌الدوله صادق (سفیر‌کبیر ایران در ترکیه) (۴)/ص ۱۹۵	۱۰
سیاسی	پاسخ به دکتر مصدق (از جمله اسناد تاریخی)/ص ۲۸۸	۱۱

جدول ۲. نامه‌های قائم مقام

Table 2. Qa'im Maqam's Letters (monsha'at)

موضع	عنوان نامه و شماره صفحه در منبع	شماره
سیاسی	کاغذ قائم مقام به میرزا صادق و قایع‌نگار در حین مأموریت به جانب بغداد بعد از شکست چوبان اوغلی و فتح دولت ایران. ص ۵۱	۱
اجتماعی/دوستانه	کاغذ مرحوم قائم مقام به میرزا صادق مردی و قایع‌نگار از تبریز در زمان حیات نواب نایب‌السلطنه العلیه. ص ۶۰	۲
سیاسی/اجتماعی/دوستانه	کاغذ قائم مقام به عالی‌جاه میرزا بزرگ نوری وزیر نواب امام و پروردی میرزا کشیکچی‌باشی در سال مصالحة روسی. ص ۶۸	۳
دوستانه/اجتماعی	رقمه قائم مقام به میرزا بزرگ قبل از مصالحة روس. ص ۷۰	۴
دوستانه	کاغذ قائم مقام به مخاطب ناشناس. ص ۷۴	۵
دوستانه/اجتماعی	کاغذ قائم مقام به مخاطب ناشناس. ص ۸۷	۶
سیاسی/اجتماعی/دوستانه	کاغذ قائم مقام به شاهزاده خانم همشیره صلی و بطئی مرحوم نایب‌السلطنه که کوچ او بود همراه اشعار قائم مقام. ص ۱۰۵	۷
اجتماعی	مخاطب ناشناس. ص ۸۳	۸
سیاسی/اجتماعی/دوستانه	نامه قائم مقام به وقایع‌نگار میرزا صادق مروزی از خراسان نوشته در زمان حیات نواب مستطاب نایب‌السلطنه طلب ثراه. ص ۱۱۹	۹
سیاسی/اجتماعی/دوستانه	رقیمه قائم مقام به فاضل خان گروسی. ص ۲۲۲	۱۰
اجتماعی	سجاد رقیمی قائم مقام به خط خود بعد از فوت ولیعهد رضوان‌مهدی از خراسان به الله‌یارخان آصف‌الدوله از جانب شاهزاده والاتیر که ولایت‌عهد را تمیید اساسی کرده و ترتیب قیاسی آورده است. ص ۲۷۵	۱۱

ترتیب نقل نامه‌های قائم‌مقام و فروغی براساس مشابهت مناصب دولتی و رخدادهای تاریخی صورت گرفته است. همچنین، کوشش شده است در گزینش نامه‌ها، مشابهت محتوا و مفاهیمی که به آنها پرداخته شده مورد توجه قرار گیرد. روش تحقیق با تکیه بر جزئیات سبک و بلاغت در نامه‌های قائم‌مقام و فروغی و برپایه دسته‌بندی محتوایی بوده است.

۲. بحث

۱. نامه‌نگاری، هدف، صورت و مفاهیم

در بحث نگارش نامه‌ها (فارغ از زمانه نگارش) سه موضوع هدف، معنا و صورت مطرح می‌شود. موضوع مهم و مؤثر بر دو نکته دیگر، هدف نگارش نامه است. هدف نگارش، مفهوم و صورت را به‌شکل کلی دربردارد. نگارنده نامه، پیش از نگارش، مفهوم کلی را در ذهن می‌پروراند، سپس با درنظرگرفتن مخاطب، آن را در صورت مناسبی سامان می‌دهد. به عبارت دیگر، نامه هدفمند، به‌سوی صورت بهینه و نهایی حرکت می‌کند. هدف نگارش نامه، نخست انتقال مفاهیم به مخاطب است؛ علاوه براین، می‌توان از مواردی جانبی همچون دوراندیشی نگارنده، مخاطب‌شناسی او و گزینش بهترین شیوه انتقال مطلب سخن گفت. نامه‌ها، علاوه بر اطلاع‌رسانی، می‌تواند کارکردهای بلاغی همچون تشویق، تحذیر و برانگیختن مخاطب داشته باشد. کارکرد نامه‌هایی که در میان دوستان ردوبدل می‌شوند، بیان احساسات دوستانه همچون دلتنگی، یاد‌خاطرات گذشته و شوق دیدار دوباره است. برخی نگارندگان در نامه‌های سیاسی و اجتماعی سرخلاف نامه‌های دوستانه- اغراضی را دنبال می‌کنند که گاه در نگاه اول قابل تشخیص نیستند، ولی با توجه به کلیت نامه نمایان می‌شوند.

در ظهور و شکل‌گیری سبک بازگشت، حفظ صورت آثار کهن و برقراری ارتباط میان اهل فن بیش از مسائل دیگر اهمیت دارد. ادبی عهد بازگشت ادبی، در جستجوی بازیابی روزگار و محتوای متون دوره ادب خراسان و عراق بودند. بازگشت ادبی، در بهترین صورت، نگاهی واپس‌گرایانه به دوره‌های درخشان ادبیات فارسی است. آثار ادبی سبک‌های خراسانی و عراقي، به‌سبب هم‌خوانی با شرایط تاریخی و اجتماعی، آثاری موفق به‌شمار می‌رفتند. حال آنکه در دوره بازگشت شرایط تاریخی و اجتماعی نسبت به دوره‌های قبل، دستخوش تغییرات شد و آثار ادبی این سبک، پاسخگوی نیازهای اجتماعی عصر نبود. دستاوردهای این دوره، آثاری شبیه به متون سبک خراسان و عراق، همچون نمونه‌های تقليدي (کپی) از نقاشی‌های مشهور است. هرچند

این نمونه‌ها در کمال زیبایی آفریده شده، تقليدی و عاری از اصالت هستند. اگرچه آثار سبک بازگشت بيشتر با هدف نمایش تسلط و آگاهی‌های ادبی نگارندگان آفریده می‌شدن، منشآت قائم مقام فراهانی در میان اين آثار، بهمنزله متنی ساده و در عین حال شیوا، شایان توجه است. قائم مقام... یک سیاستمدار مطلع بهشمار می‌رود. او در عین حالی که به سیاست پرداخته در پنهان ادب فارسی صاحب آثار ارزشمندی بوده است. مهم‌ترین اثر او منشآت وی است که حاوی چند رساله و نامه‌های سیاسی و دوستانه است که از جانب پادشاه و ولی‌عهد به افراد مختلف نوشته است (ذکایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰).

روش ساده قائم مقام نگارش را نسبت به عهد افساریه و زندیه روان‌تر کرد و در دوره‌های بعد ادامه یافت. برخی پژوهشگران معتقدند: «قائم مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیده بعد از مقول را که در دوره افساریه و زندیه به نهایت ابتدا رسیده بود از بین برد و نثر ساده و روان را جانشین آن کرد، که نثر امروز ما دنباله همان است» (همان). از نمونه‌های قابل توجه که رگه‌هایی از سبک قائم مقام را می‌توان در آن دید، نامه‌های فروغی است. این نامه‌ها در موضوع، بیان ساده و نقل شاهد، شباهت زیادی به منشآت دارند. البته، میان این دو متن تفاوت‌هایی هم هست که در ادامه به وجود همسانی‌ها و دگرسانی‌ها می‌پردازیم.

۲.۲. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم مقام

از آنجاکه فروغی با تکیه بر ادبیات و سبک نامه‌نگاری کهن مکاتبات خود را تدوین می‌کرد، اثر نامه‌های قائم مقام را بر نوشته‌های او می‌توان دید. فروغی در شخصیت، جایگاه و ارتباطات اجتماعی شباهت‌های قابل توجهی به قائم مقام داشته است؛ ازین‌رو، نامه‌های فروغی با منشآت قائم مقام مشابهت‌های سیکی دارد. این مشابهتها در سه حوزه ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی، قابل تقسیم‌اند.

جدول ۳. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم مقام

Table 3. Stylistic Similarities Between Foroughi's and Qa'im Maqam's letters

سبکی	حوزه اصلی مشابهت	حوزه فرعی ۱	حوزه فرعی ۲	حوزه فرعی ۳	حوزه فرعی ۴
ساختار نامه‌ها	آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب	دوستی و ارادت به مخاطب	ترتیب و بخش‌بندی نامدها	طرح کردن موضوع در میانه	پایان نامه با عبارت یا مصراع
شگردهای ادبی	کاربرد استشهاد ادبی	نقل ایبات و مصراع‌ها	عبارات منثور عربی یا فارسی	کاربرد ضرب‌المثل‌های ساده و عامیانه	—
ویژگی‌های زبانی	غلبة کاربرد جملات کوتاه بر بلند	جملات معطوف و مرتب‌بنا یکدیگر متراffد	تکرار فعل و واژه‌های متراffد	—	—

۱.۲.۱. آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب

گیرندگان نامه‌های فروغی و قائم مقام، افرادی فرهیخته و در جایگاه دوست یا همکار ایشان بودند. به‌این‌دلیل، نویسنندگان، نامه‌ها را با عباراتی آغاز می‌کردند که نشان‌دهنده رابطه دوستانه و صمیمی بوده است. در بخش آغازین نامه‌های قائم مقام، چندین عبارت با این هدف نگاشته شده، ولی فروغی بر سبیل ایجاز رفته است. فروغی با یک عبارت یا در مواردی که می‌خواهد سخن از نهایت صمیمیت یا شوق به دیدار فرد بزند، با دو یا سه عبارت، مراتب ارادت خود را بیان می‌کند، درحالی‌که این عبارات در نامه‌های قائم مقام قدری دشوارتر و طولانی‌تر است.

قربانی شوم روزگار و هرچه در وی است بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

گرامی دوست محترماً مدتی است که از فیض عریضه‌نگاری خدمت حضرت مستطاب عالی محروم مانده‌ام (همان، ۹۵).

خدموم مطاع مشق مهریان من، آمنتُ بمنْ نور بک الظُّلم و أوضَح بِكَ الْبُهْم و جَعَلَكَ آيَهُ من آیاتِ مُلِكِهِ و علامَهُ مِن علاماتِ سُلطانِهِ (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۵۱).

۱.۲.۲. ترتیب و بخش‌بندی نامه‌ها

ساختار نامه‌ها در هریک از موضوعات اجتماعی، سیاسی یا دوستانه یکسان است. هرچند نگارندگان گاه به تعجیل این نامه‌ها را می‌نوشته و فرصتی برای پاکنوسی کردن نداشته‌اند، این ساختار را حفظ می‌کرند: مقدمه و پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بحث، بیان مطلب اصلی در میانه نامه، و نگارش خاتمه‌ای برای سخن. این ساختار را می‌توان در نامه‌های نقل شده در متونی همچون شاهنامه ملاحظه کرد. علاوه‌براین، چنین ساختاری در نگارش کتاب‌های منثور

ادب فارسی حفظ می شده است. کتاب هایی مانند مرزبان نامه و راوینی و ترجمه نصرالله منشی از کلیه و دمنه نمونه هایی از این دست هستند.

فروغی در نامه خصوصی و دوستانه خود به محمود وصال، سه بخش را درنظر می گیرد. بخش میانه به سبب مطرح شدن موضوعات دوستانه و اجتماعی طولانی می شود، ولی این ترتیب بر هم نمی ریزد و مقدمه و خاتمه، قبل و بعد از آن ذکر می شود. قربانی شوم روزگار و هرچه در وی هست بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد. اتفاقاً تاکنون اغلب او قاتی که وسیله ارسال مکاتیب به طهران به دست آمده، وقت چنان مضيق بوده که مجال عرضه نگاری جداگانه نداشته ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

این نامه که از تمام اجزای آن می توان صمیمیت دوسوی فرستنده و گیرنده را دریافت، پس از ذکر آنچه در این روزگار بر نویسنده می گذرد، با چند عبارت زیبا پایان می یابد.

به تاریخ شمسی امروز درست یکسال است که از طهران حرکت کرده و از حضور عزیزان مهجورم. در صورتی که به فرموده شیخ اجل: یک شب فراق باشد، بر من به طول سالی! (فروغی، ۱۴۰۰: ۸۲).

قائم مقام گاه در ابتدای نامه عباراتی را به عنوان براعت استهلال و مقدمه بحث به کار می برد: عرضه داشت تالان زده قدیم، آه ز افسار! آه از این قوم! آه از آن دم! اینها همه سهل است. آه از رقم ترجمان و فرمان تلان و محصل قاجار و دادن ناچار! امان از چاقو! امان از مقراب! دو سر خواستند، چار سردادیم! یکی فرمودند، دو تا فرستادیم (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

در ادامه همین نامه، که مخاطب آن میرزا بزرگ نوری است، موضوع نابسامانی روزگار و گله از اینای دهر را مطرح می کند و نامه را چنین به پایان می برد:

مثل آذربایجان که یک ولایتی است در زیر لگد دو دولت روس و شیعه. از دو گوش مدعی آنجا بودند، روم هم حالا از گوشة دیگر درآمد و مدعی ایروان است. فَعَزَّزَنَاهُ بِثَالِثٍ (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۶۹).

۲.۲.۳. مطرح کردن موضوع در میانه

در نگاهی کلی، می توان تشخیص داد که جایگاه طرح موضوع اصلی و مهم، میانه هر نامه است. آنگاه که در نکات فرعی هر نامه دقت کنیم، می توانیم چنین ساختاری را برای این نکات هم بیابیم. قائم مقام و فروغی برای هر مسئله، مقدمه و خاتمه بیان می کنند. این مقدمه می تواند خاتمه بخش قبلی باشد و مسائل یکی پس از دیگری مطرح شوند. مسائل عموماً

به ترتیب اهمیت یا تاریخ رخداد بیان می‌شوند و ذیل یک موضوع کلی قرار می‌گیرند. این موضوع می‌تواند گزارش یا فرمان به انجام کارهایی به‌واسطه افرادی خاص باشد. قائم‌مقام در نامه‌ای که به شاهزاده‌خانم، همشیرهٔ صلبی و بطی نایب‌السلطنه، نوشته است سخن را بسیار صمیمانه و شاعرانه پیش می‌برد و در میانهٔ اشعار مطلب اصلی را بیان می‌کند (ر.ک: قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۵). فروغی نیز در چهار نامه که به سید‌حسن تقی‌زاده نوشته، هرچند مختصر، قائل به ذکر ابتدا و انتها در پیش و پس مطلب اصلی شده است (ر.ک: فروغی، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۰).

۲.۴. پایان نامه با عبارت یا مصraig

شاهدای متنی در انتهای نامه، جامع‌تر از شواهد ذکر شده در متن بوده است. این کاربرد که حسن ختامی برای این ارتباط مکتوب قلمداد می‌شده، کارکردهایی همچون ماندگاری مفهوم و صورت بیت یا عبارت و تلطیف فضای نامه داشته است. این در حالی است که محتوای بسیاری از نامه‌های این دو سیاستمدار با گزارش رخدادهای ناخوشایند و بحران‌های سیاسی و اجتماعی گره خورده و تلطیف فضای گفت‌وگوی مکتوب، اندیشه‌ای هوشمندانه است.

ایران اول باید وجود پیدا کند تا بر وجودش اثر مترتب شود. وجود داشتن ایران، وجود افکار عامه است. وجود افکار عامه، بسته به این است که جماعتی ولو قلیل باشند، از روی بی‌غرضی در خیر مملکت کار بکنند و متفق باشند. اما افسوس، بس گفتم زبان من فرسود» (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۶).

این قول، در شمار امثال و حکم آورده شده است: «بس که گفتم زبان من فرسود. نظیر: بس که گفتم زبانم مو درآورد» (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۳۹). دوست عزیز، خاطرت را فرسودم، معذور دار ما را و اجازه بده یک کلمهٔ دیگر بگویم (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۳).

به بخشی از بیت حافظ اشاره شده است:

«حافظ به خود نپوشید این خرقهٔ می‌آورد»
ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را
(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۶)

قائم‌مقام در انتهای یکی از نامه‌ها، یک بیت از شیخ اجل را این چنین نقل می‌کند:

«از دُنیٰ و آخرت گریز است وز صحبت دوست ناگزیرم
اللهِم ارزقنا والسلام»
(قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۶)

این بیت، بیت دوم از غزل ۴۴۶ سعدی است. به مطلع:

گر من ز محبت بمیرم دامن به قیامت بگیرم

(سعدي، ۱۳۸۰: ۶۲۷)

قائم مقام، علاوه بر اشعار دیگران، از سرودهای خود هم در پایان نامه‌ها بهره می‌برد: این چطور مطلب نگاری و درباری بود؟ که تا مهر از سر نامه برگرفتم، بی اختیار شعله شوق سرکش شد و خرمن صبر آتش گرفت، من نمی‌دانم که این جنس سخن را نام چیست؟
 نکنم لا الله الا الله
 یک دلیری کنم قرینه شرک
 (قائم مقام، ۱۴۰۰: ۵۴)

۲.۲. کاربرد استشهاد ادبی

یکی از شیوه‌های تأکید بر معانی و اثبات آنها نقل گفتارهای مشهوری است که برای مخاطب آشناست یا در جامعه معتبر است. این گونه استشهادهای ادبی، بیش از هر اشاره سبکی و غیرمستقیم، یادآور متون کهن و برقرارکننده ارتباط میان اجتماع و میراث فرهنگی است. استشهادهای ادبی در نامه‌های فرهیختگان از متون مشهور هستند و می‌توان با تأمل در آنها، فضا و تفکر حاکم بر جامعه و همچنین کتاب‌های محبوب در دوره نگارش نامه‌ها را دریافت. این نمونه‌ها را می‌توان در دو دسته نقل مصراع یا بیت و عبارات منثور فارسی یا عربی تقسیم کرد.

۲.۳. نقل ایيات و مصراع‌ها

استشهادهای منظوم، گاه به صورت یک بیت و گاه به صورت مصراع، در بخش‌هایی از کلام نقل می‌شوند. گنجاندن شاهدهای متنی در این بخش‌ها با هدف تأکید و ماندگاری بهتر در ذهن مخاطب صورت گرفته است. این جایگاه، انتهای پاراگراف‌ها و بهمنزله فرود کلام و پایان دادن به مبحثی فرعی در نامه است که با عبارت یا مصراعی آهنگین ماندگار می‌شود. چنانچه این عبارات از متن نامه‌ها حذف شوند، مطالب در ذهن مخاطب ماندگار نخواهد شد. در عین حال، این شواهد ادبی در میان موضوعات فاصله ایجاد می‌کنند و نشانه‌هایی آگاهی‌بخش‌اند که خواننده را از تغییر موضوع آگاه می‌کنند. استفاده از استشهادهای موزون موجب می‌شود موضوع فرعی با عبارتی دلنشیں پایان یابد و خواننده موضوع را با آن مصراع یا بیت به خاطر بسپارد. این نکته از حیث نشر فرهنگ و ادبیات مهم تلقی می‌شود. از سویی، نگارنده نامه با استفاده از عبارات متون کهن از لایه‌های پنهان در آثار ادبی و معانی ثانویه آنها بهره می‌برد و مفاهیمی را که بیان صریح آنها میسر نیست در قالب متن ادبی بیان می‌کند. قائم مقام نسبت به فروغی از عبارات عربی بیشتر بهره برده است.

فقط امیدی که می‌توانم به خود بدهم این است که همان طور که برخلاف قواعد عقلی تاکنون این ملت و دولت باقی‌مانده (اگرچه به کثافت و فضاحت) باز هم بماند، با بهبودی یابد و آلا در جبین این کشتی نور رستگاری نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

بیت در مدخل «نسیم شمال» و در بخش سروده‌های او در لغتنامه دخدا مذکور است:
این زمین بی‌حاصل جای آبیاری نیست
بر جبین این کشتی نور رستگاری نیست
(دخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۴۷۳ / ۱۴)

رقمیجاتِ مفصلِ مصحوبِ ذوالفاریبک رسیده بود. عریضهٔ مختصر در جواب می‌نوشتم. تا اواسط صفحه طوری با هم راه آمدیم، آنجا قلم سرکشی کرد، عنان از دستم گرفت، پیش افتاد، دیدم بی‌پیر از خامهٔ سرکار واقع‌نگار اقتباس کرده؛ زاغ است و زاغ را صفت کbek آرزوست (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

خاقانی! خسان که طریق تو می‌روند
زاغند و زاغ را صفت بلیل آرزوست
(خاقانی، ۱۳۹۱: ۸۳۹)

در حاشیهٔ همین صفحه از دیوان خاقانی، از نسخه‌بدل، «روش کbk آرزوست» نقل شده است.

۲.۲.۷. عبارات منثور عربی یا فارسی

این استشهادهای کوتاه که در میانهٔ مطلب ذکر می‌شود، کارکرد متفاوتی با نوع نخستین دارد. برخلاف نوع نخست، این عبارات مطلب را خاتمه نمی‌دهند و دوسوی سخن را به هم پیوند می‌زنند. در این نوع نقل شاهد، از نمونه‌هایی بهره گرفته می‌شود که مصادقی برای گفتارهای پیشین باشد یا در قالب عبارتی بسیار کوتاه، معنای محوری را برای مخاطب بیان کند. این جملات عموماً مسجع‌اند و به‌سبب آهنگی‌بودن، در ذهن مخاطب ماندنی‌تر خواهند بود. آیا غیر از این چاره داریم که به نماز ایستاده دست به دعا برداشته، بگوییم: الهی عاملنا بفضلک و لاتعاملنا بعدلک (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

زیرا هرچند هیچ وقت قرآن و شمایل از جیب و بغل بیرون درنیاوردهام، کاملاً معتقدم که در عالم حقیقتی هست و به او انتکا و انتکال دارم و هو نعم الوکیل (همان، ۲۹۰). می‌فرمایید در این مدت کسی به فکر من نیفتاد. بفرمایید کسی به فکر چه افتاد؟ آنچه من می‌بینم در این مملکت همه‌کس از اعلیٰ و ادنی بدون استثنای (یعنی اگر استثنایی باشد همان در حکم النادر کالمعدوم است) وجههٔ همتش تحصیل مال است و بس (همان، ۹۸).

جلوش را محکم کشیدم. خانه خراب همه مرغ، طوطی و بلبل می‌شود که بی‌پرده عاشق باشد و خوش‌لهرجه و ناطق گردد. مُتِبَّدِ الْصَّمْتِ خَيْرٌ مِنْ دَاءِ الْكَلَامِ وَ مَا أَرْسَلَنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا
بِلِسَانِ قَوْمِهِ (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲.۲.۸. کاربرد ضرب المثل‌های ساده و عامیانه

زبان عامه مردم به نوعی فاصله‌گرفتن از صورت معیار زبان به حساب می‌آید:

زبان معیار یکی از گونه‌های رایج در جامعه زبانی است که با تغییراتی در صورت و ساخت (تدوین و تثبیت)، نیز نقش و کارکرد آن (گسترش نقش و کارکرد) ایجاد می‌گردد و ازسوی اکثر افراد جامعه زبانی به عنوان الگوی زبانی معتبر پذیرفته می‌شود و در نوشتارهای رسمی و گفتارهای برنامه‌ریزی شده به کار می‌رود (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۳).

از دیگر روش‌های ایجاد صمیمیت میان نویسنده و خواننده نامه، استفاده از عبارات ساده و عامیانه است که گاه صورت شوخی و مطابیه به خود می‌گیرد. هرچند ذکاء‌الملک و قائم مقام هردو از مفاخر فرهنگ و تاریخ ایران هستند، از جو عمومی جامعه و فرهنگ کوچه و بازار جدا نمی‌شوند. برخی از کاربردهای چنین عباراتی، گاه باقصد کنایه است، گویی نویسنده‌گان می‌خواهند به اولیای امور طعنه بزنند و بگویند درحالی که عامه مردم از این مسئله باخبرند یا برای حل این مشکل ایده‌ای دارند، فضلاً ناآگاهاند یا سکوت اختیار کرده‌اند. درباب قائم مقام می‌توان از هوشمندی و موقعیت‌سنگی او یاد کرد، نکته‌ای که فروغی هم بدان بسیار پاییند است:

میزان بهره‌گیری منشآت قائم مقام از زبان عامه به موضوع و مخاطب نامه و همچنین احوال وی بستگی کامل دارد. قائم مقام با استعداد شگرف و شم ساحرانه خود و با اشرافی که بر علوم بلاغی از جمله معانی داشته و به موجب سخن «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد»، به خوبی دریافتکه بود که نامه‌های جدی و رسمی در پذیرش واژه‌های عامیانه و متداول کوچه و بازار یا مثل‌ها و اشعار عامیانه بسیار مقاومت نشان می‌دهند و استعمال این عناصر در چنین نامه‌هایی به دشواری صورت می‌گیرد یا محال است؛ اما در مقابل، نامه‌های دوستانه، فضای خودمانی و عاطفی و صمیمی می‌طلبید و عناصر عامیانه نیز این اهداف را تقویت می‌کند و البته پس از گذشتن از صافی ذوق نویسنده اجازه ورود می‌یابند (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

همین نکات را درباب فروغی می‌توان مطرح کرد. او با سنجش موقعیت، از امثال و واژه‌های عامیانه بهره می‌برد و فضای نامه را (به‌ویژه در نامه‌های دوستانه) تلطیف می‌کند. البته، قائم مقام از عبارات و واژه‌های عامیانه بیش از ضرب المثل بهره برده است.

دولت روم هم به تأیید شاه مردان، ضربی خورده و حسابی برده‌اند... مردمان اهل سنگین متینی هستند، این قدر سبک و تنگ و جاهم نیستند که دنبال گرد صhra بیقتند و از پی مرغ در هوا روند (قائمه‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

که عریضه را محمودخان همراه نیاورده، میرزا هدایت دمک به صف آمد و محمودخان دمک از دیوانخانه دررفت و شاه دمک از تخت برخاست (همان، ۱۰۷).

سوار نقاب‌انداز اردبیل که بود و سبب شبروی انزلی و کسکر چه بود؟ فراول‌های دریاکنار را با جن و پری سروکار است یا باقلای خام و اشبل ماهی بخار کرده؟ (همان، ۱۰۴).

یکی از نمونه‌های نگارش صمیمانه و کاربرد عبارات و واژه‌های ساده، نامه قائمه‌مقام به همشیره نایب‌السلطنه است که در انتهای این نامه ابیاتی از خودش هم نقل می‌کند:

دیشب اینجا نبودید، اوقات بر من تلخ بود. نه خواب کردم نه کار تا حالا که صبح شد... اما نمی‌دانم جواب نایب‌السلطنه را امروز چه بگویم که دیشب از دست شما هیچ‌کار از پیشمن نرفته، تا حالا که دو ساعت از روز گذشته، هیچ نخواهیدهایم... آه از دست تو! آه از دست تو! (قائمه‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

رفقا هم بینی و بین الله همه خوب بودند (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۶).

چقدر می‌شود به سیلی صورت خود را سرخ نمود؟ (همان، ۷۴).

اگر می‌دیدید انگلیس‌ها در عین اینکه خود را از تگوتا نمی‌اندارند، چقدر متزلزل و نگران بودند و هستند. اما چه فایده؟ ملت ایران که در بین نیست (همان، ۷۸).

افسوس در همین است که اگر دنیا را آب ببرد ما را خواب برد است (همان، ۸۰).

۹.۲. غلبه کاربرد جملات کوتاه بر جملات بلند

زمانی که خواننده نامه نسبت به موضوعی آگاه است و در نامه چندین موضوع مطرح می‌شود، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند. در مقابل، هنگامی که مخاطب از موضوع سخن یا رخدادی خاص بی‌اطلاع است، نیاز به ارائه توضیح در جملات طولانی‌تر هست. فروغی و قائمه‌مقام آنگاه که قصد شرح واقعه یا ارائه گزارشی به مخاطب خود دارند، از جملات طولانی‌تر استفاده می‌کنند؛ ولی زمانی که از مفاهیم آشنا سخن می‌گویند، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند. کار دنیا شوخ نیست، جدیت می‌خواهد، عقل می‌خواهد، دلسوزی برای مملکت می‌خواهد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

اگر چنین سخنی شنیدی، زنهار فریب مخور، ظاهرین مباش، حقیقت پنهان نمی‌ماند. درست که جمع و خرج کنی، باز صرفه در درستی و راستی است و من نباخته‌ام. تحقیق مطلب طولانی است و فعلًاً مجال بحث آن نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

حالا که این طور اتفاق افتاد، کاغذها و آدمهایی که از جانب او میرفتند، جا ندارد که بروند. اگر نزوند هم موعد کرور می‌رسد و ایلچیانی که بدتر از محصلین غلاظ و شدادند، خواهند آمد. پولی در خزانه عامرہ موجود نیست، اهل ایران هم برای حفظ مملکت یک دینار هم نمی‌دهند. ولیعهد مرحوم مغفور هم در حیات نیست که فکری و دست و پایی بکند (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

۱۰.۲.۲. جملات معطوف و مرتبط با یکدیگر

مطلوبی که در نامه‌ها مطرح می‌شوند، از آنجاکه مربوط به یک موضوع کلی و حاکی از اتفاقات یک بازه زمانی خاص هستند، با هم ارتباط دارند. این رخدادها که در تحلیل نویسنده‌گان نامه‌ها اثرگذارند، در متن پی‌درپی می‌آیند، یا به‌واسطه واو عطف به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این گونه برقراری ارتباط در زمینه شرح وقایع همزمان تاریخی یا واکنش‌های صاحبمنصبان به رخدادهای خاص کاربرد داشته است.

در هر حال، در این میانه، امید بزرگ به مجمع ملل است. اگر این اساس حقیقتاً درست شد، می‌توان امیدوار بود که بنای کار دنیا، فی‌الجمله، بر شالوده صحت و حقیقت و عدل و حقانیت گذاشته می‌شود، اگر این هم نشد، تمام زحمات هدر است و صدماتی که مردم خورده‌اند، بیهوده بوده (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۱).

سیست‌عنصری و سبک‌سری ما به‌جایی رسیده که از یک طرف، جراید جدید‌تأسیس ما به‌مناسبت احوال روسیه، موسوم به «طوفان» و «آتش‌شان» و «احشویروش» می‌باشند (به‌مناسبت اینکه وزیر مختار روس یهودی است). از طرف دیگر، آخوند و ملا و روضه‌خوان، منکر مدارس جدیده شده، می‌خواهند در آنها را بینندن و روزنامه‌ای که برای نسوان طبع می‌شود، توقيف می‌کنند. مختصر خربازار غریبی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

اگر آن جناب چنین دارد که این اظهار هم موهمن گمانی خواهد شد که ما خود را درین ضمن ملاحظه کرده‌ایم، مأذون است که هیچ عرض نکند، یا اسم ما را بر زبان نیارد؛ چراکه ما خود را ناقابل‌تر از آن می‌دانیم که اسم ما در حضور باهرالثور اشرف اقدس همایون مذکور شود که از ابتدای عمر هرگز هوا و هوسى از خود نداشته‌ایم. خصوصاً بعد از این قضیه که از دنیا و مافیها سیر شده‌ایم و از حیات خود دلگیری هستیم و به خدا که فرمایشات مصحوبی لاچین خان و فرمان‌های مرحمت‌آمیز همایون شاهنشاهی باعث شد تا حال راه می‌رویم؛ و آن‌هه چنان افسرده و پژمرده شده بودیم که تا نفس آخرین به حال توانیم آمد (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

۲.۱۱. تکرار فعل و واژه‌های متراծ

این شیوه متأثر از سبک دوره سامانیان است. در دوره‌های نخستین ادبیات، هنوز تکرار عبارات و واژه‌ها خسته‌کننده تلقی نمی‌شده و از روش‌های تأکید بر مفاهیم بوده است. با توجه به تسلط این دو ادیب سیاستمدار بر زبان، نمی‌توان تکرار فعل در نامه‌های ایشان را به‌سبب نیافتن جایگزین مناسب دانست، بلکه می‌توان برخاسته از اغراض بلاغی و در رأس آنها تأکید برشمرد. کاربرد متراծفات این نکته را آشکار می‌کند که نگارندگان از مفاهیم کاملاً آگاه بوده و از متراծفات برای شرح بهتر بهره برده‌اند.

به‌کلی از اوضاع مملکت و پلیتیک دولت و مذاکراتی که با انگلیس کرده‌اند و می‌کنند بی‌اطلاعیم و یک کلمه دستورالعمل و ارائه طریق، نه صریحاً نه تلویحًا، نه کتابًا نه تلگرافاً، نه مستقیماً نه به‌واسطه، به ما نرسیده (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

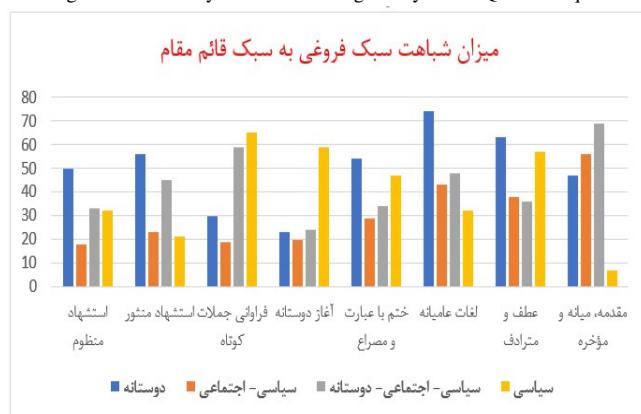
انسانیت دنیا را گرفت. تازه آنوقت درست فکر کنیم، ببینیم حقاً از روی عدالت و انسانیت و مروت وقتی که بخواهند با ما معامله کنند چه باید بکنند (همان، ۷۸).
بنده به‌اقتضای جبن و احتیاطی که بالذات دارم، به کنایه و رمز، معتقدم تا از ساعیه و غمز محترز باشم (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

اگرچه از جانب ایلچی انگلیس و مستر مکنیل نایب، مکتبواً و ملغوظاً، حرفی در این مواد نشنیده‌ایم، لکن یقین است آنها هم در باب حکیم‌باشی همین‌طور سخن‌ها خواهند گفت (همان، ۲۷۶).

درصد شباهت نامه‌های فروغی به منشآت قائم‌مقام، براساس ملاک‌های مطرح شده در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار ۱. میزان شباهت سبک فروغی به سبک قائم مقام

Chart 1. The Degree of Similarity Between Foroughi's style and Qa'im Maqam's style



۲.۳. تفاوت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم مقام

علاوه بر شباهت‌های سبکی نامه‌های این دو ادیب، که برخاسته از مشابهت در آگاهی از علوم ادبی و مناصب سیاسی ایشان است، تفاوت‌هایی در شیوه نگارش آنها جلب‌نظر می‌کند. این تفاوت‌ها، بیش از هر عاملی، نشئت‌گرفته از تفاوت در زمانه و نگاه به مسائل روز است. توجه به زمانه و مسائل روز نقطه مقابل کهن‌گرایی و الزام به حفظ صورت کهن در نامه‌ها است. تفاوت اصلی شخصیت فروغی و قائم مقام -که موجب تنوع سبک نامه‌های ایشان شده- انتخاب یکی از این دو عامل و التزام به آن است. قائم مقام تا جایی خود را ملزم به بهره‌گیری از سبک کهن می‌داند که با صرف نظر از برخی اصطلاحات و نامه‌های جدید، اثرش با نامه‌های متون عهد خراسان و عراق یکسان شود. این در حالی است که فروغی با نگاهی نوگرا مسائل روز را با ادب کهن تلفیق کرده است. به عبارتی، تکیه قائم مقام بر ادب کهن و اتکای فروغی بر مفاهیم دنیای جدید است. این تفاوت‌ها در دو دسته مفهومی و لفظی قابل تقسیم‌اند.

۲.۳.۱. میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی

از آنجاکه در صورت و مفاهیم منشأت قائم مقام کهن‌گرایی غلبه دارد، تحلیل رخدادهای سیاسی در نامه‌های او بسیار کوتاه است. از این نظر، شباهت فراوانی به شکوه‌های ادبی قدیم از اوضاع نابسامان جامعه دارد. این تحلیل‌ها در میان واژه‌ها و عبارات فارسی و عربی قرار می‌گیرد. در مقابل، فروغی اساس بیشتر نامه‌ها را بر بحث از جامعه و سیاست نهاده است. حتی در نامه‌های دوستانه‌او، نگاه عمیق به مسائل و تحلیل رخدادها پررنگ است. منشأ این نگاه، اشتغال مداوم فروغی به منصب‌های عالی دولتی، ارائه تحلیل و راهکارهای مطابق با سیاست روز و تلاش برای آگاه‌کردن مخاطب است.

حضرت‌عالی می‌دانید که قحط‌الرجال امروزی ما نتیجه آن است که در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه از لیاقت اشخاص صرف‌نظر شده و هوسناکی اولیایِ مملکت مدار امور بود. حالا به مرابت بدتر شده و فقط انتریگ و دسیسه و دسته‌بندی و فحاشی و بستگی به مقامات مقتدره خارجی و داخلی میزان پیشرفت مقصود است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

در سال قبل، موقعی که برای مجمع عمومی در ژنو بودم، شخصی از اهل ذوق نزد من آمده، گفت: جُنگی ترتیب داده‌ام که بسیاری از رجال حاضر در آن راجع به جامعه ملل هریک به خط خود چیزی نوشته‌اند. از شما خواهش دارم چندسطری بنویسید. من عبارتی نوشتم که معنی آن این بود که: جامعه ملل وقتی درست می‌شود که مردم بفهمند که مانند حیوانات

نباید با هم در تنازع باشند، بلکه برای غلبه بر موانع طبیعی باید با یکدیگر متحد شوند و
شعر مولانا جلال الدین رومی را شاهد آوردم که می‌فرماید:

متحد جان‌های مردان خداست جان گرگان و سگان از هم جداست

(فروغی، ۱۴۰۰: ۱۶۵)

اما حرب ساوه تُرك، خاص بهرام چوبينه است، سرهای بی‌تمکين را جز به پای بی‌تمکين
نشاید سپرد، معارضه به مثل را از دست نباید داد، بلدهای راه از رهنمای آگاه بینیازند.
گمراهان محتاج دلیلند و رهبران کمیاب و قلیل (قائمه‌مقام، ۱۳۸۶: ۷۲).

بلی، با شما و سلمان در تجاھر ایمان برنمی‌توان آمد. سیف شاهر است؛ صدق ظاهر، مخصوص
صادق مروزی. نه هرکس حق تواند گفت گستاخ (همان، ۱۲۰).

۲.۳. ۲. کمیت و کیفیت کهن گرایی

مسئله کهن گرایی علاوه بر تأثیرگذاری بر رویکرد و مفاهیم نامه‌ها، بر صورت این آثار هم مؤثر
است. درواقع، نگارنده با توجه به گستره آگاهی‌اش، مفاهیمی را برای بیان برگزیده و در قالب
واژه‌ها و عبارات قرار می‌دهد. انتخاب مفاهیم از نظام ذهنی و تفکر غالب نویسنده سرچشم
می‌گیرد. این نظام در ذهن قائمه‌مقام برپایه اندیشه‌های عهد بازگشت و در ذهن فروغی،
براساس تفکر غالب سیاست و حقوق دنیای جدید است. انتکای فروغی بر ادبیات فارسی،
به‌سبب دانش گسترده او و علاقه به ایران و فرهنگ آن بوده است، درحالی که تأثیر سبک
خراسان و عراق بر کاربردهای لفظی و معنایی قائمه‌مقام کاملاً آشکار است. در جایگاهی که
استفاده از الفاظ فارسی و عربی در منشآت با انگیزه لفظپردازی و جلب توجه بوده، در نامه‌های
فروغی، واژگان فارسی کهن با هدف زیباسازی و در حد تعادل به کار رفته است. این نکته
مخاطب را جذب و همزمان با خواندن مفاهیم تازه، او را ادب و فرهنگ کهن آشنا می‌کند.
بالاخره چندی قبل لرد کرزن که امروز سلسله‌جنban پلیتیک آسیابی انگلستان است به پاریس
آمد. مشاورالممالک را واداشتیم کاغذ خیلی مؤدب گرمی به او نوشته تقاضای ملاقات کند.
لیکن او یک روز بیشتر در پاریس نماد و ملاقات واقع نشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۹).

تمام دنیا ضعیف شده، مدعی‌های بزرگ او از پا درآمده‌اند. چشم بد روزگار بگذارد، کار به
کام است (همان، ۷۰).

دره‌حال، برای ارمنستان و گرجستان هم خدا بزرگ است و دست حیله دراز (همان، ۷۱).
یغمای اول که در مقدمه امیرخانی به بنگاه اولاد رسول رسید و آخر تابع له علی ذلک. غارت
دویم که در مقدمه سپهداری به خانواده احفاد بتول افتاد، اللهمَ العَنِ الْعَصَابَةِ الَّتِي دَخَلَتْ
تَبَرِيزَ وَ نَهَتَتِ الْبَيْتَ اللَّهِ بِرَيزَ مِنِ الْجَاقُوهَاتِ التَّنَدَ وَ الْمِقْرَاضَهَاتِ التَّيْزَ (قائمه‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

۲.۳. همه‌فهم و کاربردی‌بودن سبک

همان طور که آثار سبک بازگشت در دوره نگارش مخاطب محدودی داشته، منشآت قائم مقام هم، به‌سبب ادبیت، مخاطب عام نداشته است. این نامه‌ها به‌دلیل اشتمال بر واژه‌ها و ویژگی‌های نثر کهن، در زمان خود و حتی دوره‌های بعد، امکان فهم همگانی نداشته‌اند. در مقابل، سادگی نسبی سبک فروغی و کاربرد معتل آرایه‌ها، امکان فهم و کاربرد گسترده‌تر را فراهم آورده است؛ به‌گونه‌ای که قرائن متنی نکته مبهومی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. شیوه فروغی مانند نثرنویسانی چون سعدی برای همه دوره‌های پس از خودش قابل درک است.

فرانسوی‌ها گاهی از زیر فشارهای دیگر سردرآورده می‌گویند: بنا بود سوریه متعلق به ما شود، آن را هم به دسیسه و روکش کردن امیر حجاز، یک فکری برایش می‌کنند (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۰).

اما اوضاع داخله ممالک اروپا هم خوب نیست. ملت‌ها از دولت‌ها راضی نیستند و حوصله‌شان سرفته. عمله‌جات متصل گرو می‌کنند. الان چند روز است بسیاری از عمله‌جات گرو کرده‌اند و محتمل است بسط پیدا کند... اروپایی‌ها هم از بسط و سرایش بلشویزم در ممالک خود فوق العاده واهمه دارند... مدام که روسیه سامان نگیرد، تکلیف اروپای شرقی بلکه آسیا هم معلوم نمی‌شود (همان، ۷۱).

ذکری که در قرارنامه صلح دولتین درباب ایل بابان و سنجاقات کردستان شده بود، به‌طرزی که البته مقروع سمع شریف عالی شده، مقبول طبع اشرف اعلی نیفتاد و کار به تجدید مکالمه از حضرت نیابت سلطنت افتاد و به عنوان الهی و بخت شاهنشاهی، سرعسرکر جانب سرهنگ که به سفارت منصوب است نموده و اینک امروز که هفتم ربیع‌الثانی است، به رفاقت توفیقات سبحانی روانه می‌شود و امید هست که به وضع خوب، بی‌جنگ و آشوب، مقاصد این دولت در آن دولت ساخته شود و بار دیگر تیغ جدال بین‌المسلمین آخره نگرد (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲.۴. جایگاه مفاهیم نو و نوگرایی

سبک بازگشت چنان‌که از نام آن دریافت می‌شود- برپایه گرایش به گذشته است. پیروان این سبک از تحولات روز و دنیای معاصرشان استقبال نکردند و به تقلید از سبک و زبان پیشینیان دل‌بستند. این عامل در منشآت قائم مقام هم با گرفتارشدن در مفاهیم کهن و کم‌توجهی به نوگرایی و صورت‌های تازه قابل مشاهده است. این درحالی است که فروغی در کنار دل‌بستگی به ادب و فرهنگ کهن، به موقعیت‌ها و رخدادهای روز توجه دارد و گرایش او به نوشدن گرایشی متعادل و مفید است. این نگاه و تمایل به نوگرایی، با تکیه بر پشتونه

ادبی-فرهنگی، به نگاشته‌های او منحصر نشده است. درواقع، نگاه نوگرای ذکاءالملک از اندیشه او سرچشمۀ گرفته است و ابتدا در قالب کنش‌های سیاسی-اجتماعی و سپس نامه‌های او آشکار می‌شود، به طوری که:

به جدّ می‌توان فروغی را روشنفکری عملگرا نامید؛ وی گذشته از تألیف و تحقیقات نوگرایانه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، که برخی از آنها برای نخستین بار در زبان فارسی منتشر می‌شدند، در فعالیت‌های اجرایی و مقامات سیاسی نیز وارد شد و با پشتکار و پشتونه علمی و فکری که داشت، توانست بعضی از نهادهای مدرن را در ایران تأسیس و راهاندازی کند... قرارگرفتن فروغی در پست‌های سیاسی و فرهنگی از یک طرف به عملی شدن اندیشه تجدّد در جامعه انجامید و از طرف دیگر، باعث پدیدآمدن نهادهای مدرنی شد که چهره اجتماع و فرهنگ ایرانی را از الگوهای سنتی دور می‌ساخت (حدار، ۱۳۸۴: ۲۶).

عمل‌گرایی فروغی را از اظهاراتش درباره گفتار و رفتار خود می‌توان دریافت. او به مخاطب می‌گوید نباید از هیچ تلاشی فروگذار کنند و لازم است برای برقراری ارتباط با دنیا و قرارگرفتن در جریان رخدادهای نو بکوشند:

وانگهی هر کاری باید کرد چرا نمی‌کند تا ما بتوانیم بگوییم ما مشغول هستیم؟ اظهار حیاتی، عرض لحیه‌ای، آخر همه را که نمی‌توان مغلطه کرد و گفت ایران مملکت داریوش و انشیروان است. من چند مرتبه بودر جمهور و نظام‌الملک و فردوسی و خواجه نصیر تحويل مردم بدهم؟ چقدر شعر بخوانم و عرفان بیافم؟

خلاصه از طرف دیگر هرچه سعی کردیم با انگلیسی‌ها نزدیک شویم و آنها را رام کنیم، گفتند ما در طهران با دولت ایران مشغول مذاکرات هستیم و عنقریب نتیجه حاصل می‌شود (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

فروغی علاوه بر اهمیتِ روی‌آوردنِ صاحب‌منصبان به تحولات روز، آشنایی مردم را با دنیای جدید مهم دانسته و بیش از هر نکته‌ای، ارتقای سطح افکار عمومی را مایهٔ پیشرفت تلقی کرده است:

فروغی در تبیین سویه‌ای از عقب‌ماندگی سیاسی و اجتماعی ایران، به عنصر پایه‌ای افکار عمومی می‌پردازد. او بر این بود که بدون شناخت آحاد مردم از منافع ملی خود و بدون تعریف منفعت ملی، پدیدهٔ ملت مفهومی تهی و ناسازه است و جریان نوسازی کشور، فاقد یکی از اركان مهم مدرنیتۀ سیاسی است (حدار، ۱۳۸۴: ۲۷).

فروغی در نامه خود به ابراهیم حکیم‌الملک پیشرفت کشور را در گرو وجود تفکرات مترقی در میان عامه مردم می‌شمارد:

ایران ملت ندارد. افکار عامه می‌داشت به این روز نمی‌افتاد و همه مقاصد حاصل می‌شد. اصلاح حال ایران وجود آن متعلق به افکار عامه است و اگر بگویید تعلیق و محال می‌کنی عرض می‌کنم خیلی متأسفم. اما در حقیقت نمی‌توانم صرف نظر کنم. من همه وقت از همه کس خوش‌بین‌تر بوده و باز هم خوش‌بین هستم. اما امیدم فضل خداوند است نه به اسباب ظاهر (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۴).

این در حالی است که در نگاه و نوشتار قائم مقام، کهن‌گرایی بر نوگرایی غلبه دارد. قائم مقام در تدوین صورت نامه‌ها بیشتر پیرو قدم است و نگاه نو در نامه‌هایش کمرنگ است. قائم مقام تلاش کرده است با توجه نسبی به مردم، و شناخت ماهیت و رفتار آنها، اوضاع جامعه را بهتر تحلیل کند و در نامه‌ها از جامعه و حوادث روز سخن بگوید. این تلاش‌ها هرچند اندک بوده و در مقایسه با کهن‌گرایی او چندان پرنگ نیست، سرآغازی برای توجه فرهیختگان به مردم جامعه است و ارزشمند تلقی می‌شود.

همین‌که ازین طرف سپاهی مستعد برود و قلاع مسترد بشود، ان شاء الله آرامی خواهند گرفت. مردمان اهل سنگین متینی هستند. این قدر سبک و تنگ و جاهم نیستند که دنبال گرد صحرای بیفتند و از پی مرغ در هوا روند. ایلات بابان از آفتار روش‌بین‌تر است که نوکر قدیم این دولت قویمند و اگر منکر و مشاجری باشد، برهانی قاطع مثل همراهان سرتیپ با نظم و ترتیب و سیف و سنان، طوع العنان در دست دارند (قائم مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲.۳.۵. استفاده از واژه‌های غیرفارسی

ورود کلمات خارجی به هر زبان -از جمله زبان فارسی- امری ناگزیر است. علت این امر، جایگاه واژه‌ها به عنوان گذرگاهی برای ورود اندیشه‌های جدید در زبان‌های بیگانه است. استفاده از این کلمه‌های تازه‌وارد باید با رعایت تعادل باشد تا شمار آنها از واژه‌های فارسی بیشتر نشود. در نامه‌های قائم مقام غلبه با واژگان عربی است، به‌گونه‌ای که با وجود امکان جایگزینی واژه‌های فارسی با عربی، قائم مقام از واژه‌های عربی بهره برده است. کاربرد واژه‌های عربی بهجای فارسی، موجب دورشدن از فرهنگ و زبان فارسی و سوقدادن اندیشه مخاطب به‌سوی فرهنگ دیگری می‌شود. کلمات بیگانه نامه‌های فروغی با مفاهیم سیاست روز دنیا یا پلیتیک مدرن مرتبط است. از آنجاکه محتوای بیشتر این نامه‌ها با بیان مفاهیم، و اظهارنظر و تفسیر واقعه‌های روز گره خورده، فروغی از کاربرد این واژه‌ها ناگزیر بوده است. در عوض، نامه‌ها با گنجاندن لغات متراوف،

به گونه‌ای تدوین شده که مخاطب، مفهوم را به خوبی درک می‌کند. این در حالی است که مقصود قائم‌مقام در منشآت را تنها مخاطبِ فاضلِ همعصر او به خوبی می‌تواند درک کند. یک‌انه وسیله تحصیل شغل و مقام و هر مقصود دیگر، امروز، دسته‌بندی و انتریک‌بازی و شارلاتانی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۸).

تاکنون نه شارلاتانی کرده‌ام، نه خودستایی؛ نه هوچی بوده‌ام، نه انتریک‌باز؛ برای رسیدن به مناصب و امتیازات و تحصیل شهرت و نام، اسباب‌چینی و دسیسه‌کاری نکرده و تاکنون هر مقامی را دارا شده‌ام، اعم از وکالت و ریاست و وزارت، بدون استثنای آن مقام دنبال من آمده است، من از پی آن نرفته‌ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۰).

کتاب شما غالباً کلیات نوایی بود و جزئیات هوایی را که مغلوب ساخت. این هنوز از نتیجه سحر است. به فضل الله صبح‌های روشن و باع‌های گلشن در پیش داریم... مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد، قامع الرأس عجب نفس، باطل السحر کین و کبر، هباکن هر هوا، فتورده هر غرور، جامع الخیرات، مانع الشور (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۴۰).

شروحی چند که بر حسب فرمایش در طی نگارش آمده بود، زیارت شد. آنچه نوشته بودید، آفت هوش بود و هرچه فرموده بودید، آویزه گوش. خاطر همایون سلطانی، مهیط حکمت‌های سبحانی است که بندۀ ناتوان را به رحمت بی کران مژده رحمت بدهد، لطمۀ تربیت بزند، زخم و مرهم با هم فرستد و درد و درمان، توأم، سبقت رحمه و وسعت کل شیئی نعمه (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۷).

جدول‌های جمع‌بندی

در جدول ۴، تفاوت میزان پاییندی فروغی و قائم‌مقام در نامه‌هایشان، به هریک از ملاک‌های سبکی به صورت کمی ذکر شده است:

جدول ۴. توصیف کمی ویژگی‌های سبکی منشآت قائم‌مقام و نامه‌های فروغی

Table 4. Quantitative Description of the Stylistic Features in Qa'im Maqam's *monsha'at* and Foroughi's Letters

شماره	سبکی	قائم‌مقام	محمدعلی فروغی
۱	میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی	%۳۵	%۷۳
۲	دلیستگی به کین‌گرایی	%۸۶	%۳۷
۳	بهره‌گیری از واژه‌های عربی	۲۱%	%۳۳
۴	بهره‌گیری از واژه‌های فرنگی	%۶	%۵۷
۵	همفهشم و کاربردی بودن مطالب	%۳۸	%۸۹
۶	بهره‌مندی از مفاهیم مدرن	%۲۲	%۸۳

در یک نگاه تحلیلی، می‌توان حوزه‌های سبکی نامه‌های فروغی را به چهار دسته اصلی زبان، فکر و اندیشه، بلاغت و مفاهیم تاریخی - اجتماعی تقسیم کرد. فروغی از سویی دلبسته ادبیات کهن فارسی است و نگاشته‌های او با این متون پیوند دارد. در مقوله زبان و بلاغت، به‌سبب غلبه کهن‌گرایی از منشآت الگو برداشته است، درحالی که در زمینه اندیشه و اهمیت به مردم، نامه‌های فروغی نسبت به منشآت قائم مقام روی در امروزی شدن دارد؛ به‌این‌سبب، فروغی در نامه‌ها نگاهی نوگرایانه دارد. گفتنی است قائم مقام هم در منشآت به رخدادهای روز اعتنا می‌کرده، ولی از آنجاکه مخاطب نامه‌هایش بیشتر صاحب منصبان بوده‌اند، شیوه بیان او با این دسته از مخاطبان هم‌خوانی داشته است.

فروغی خود از دانش ادبی و سیاسی بهره داشته و در نگارش نامه‌ها مقلد صرف نبوده است؛ از این‌رو، شایسته است از تأثیرپذیری او از قائم مقام با عنوان تلفیق یاد کنیم؛ زیرا این تأثیرپذیری در واقع تلفیق شیوه قائم مقام و دانش فروغی است. در برخی موارد هم شاهد نوآوری فروغی در سبک و اندیشه هستیم. از آنجاکه چنین نمونه‌هایی وابسته به زمانه فروغی و در شمار مسائل روز هستند، نمی‌توان ردپای منشآت قائم مقام را در سبک و سیاق آنها مشاهده کرد.

در جدول ۵، ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی و کیفیت تلفیق یا نوگرایی در هریک از آنها مشخص شده است. در مقابل نمونه‌هایی که فروغی در تدوین آنها از منشآت الگو گرفته، واژه تلفیقی و در مقابل مواردی که استقلال سبک و نوآوری دارد، واژه نو ذکر شده است.

جدول ۵. تقلید و نوآوری در ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی

Table 5. Imitation and Innovation in the stylistic Features of Foroughi's Letters

شماره	ویژگی‌های کلی	ویژگی‌های جزئی	تقلید و نوآوری
۱	زبان	استفاده از زبان روزمره و مردمی	نو
		استفاده از شواهد ادبی	تلفیقی
۲	فکر و اندیشه	جایگاه نوگرایی	نو
		جامعیت اندیشه	نو
۳	بلاغت	سازگاری با درک مخاطب	تلفیقی
		توجه همه‌جانبه به مفاهیم	نو
۴	تاریخ- اجتماع- سیاست	مفاهیم روز و در جریان	تلفیقی
		دغدغه‌مندی برای رفع مشکل مردم	نو

۳. نتیجه‌گیری

در میان آثار ادبی فارسی، نامه‌ها از جمله آثاری هستند که در نگارش آنها از الگوهای مشابهی استفاده شده است. کیفیت این الگوها به عواملی مانند آگاهی‌های ادبی نگارنده و مخاطب

نامه، موضوع و زمانه نگارش بستگی دارد. علاوه بر شباهت‌های کلی ساختار نامه‌ها، برخی نامه‌نگاران به‌سبب شباهت در موضوع نوشه‌ها یا شخصیت‌شان، نامه‌هایی همسان نگاشته‌اند. از نمونه‌های این همسانی می‌توان به منشآت قائم‌مقام فراهانی و نامه‌های محمدعلی فروغی اشاره کرد، که هرچند هم‌عصر نبوده‌اند، به‌دلیل شباهت در بهره‌مندی از دانش ادبی، جایگاه اجتماعی، مخاطب و موضوع نامه‌ها، مکاتباتی شبیه به هم دارند. قائم‌مقام و فروغی هردو از ادبیان و صاحب‌منصبان دولتی در روزگار خود بودند و این عامل را می‌توان عامل محوری در مشابهت سبک نامه‌نگاری آنها دانست. شباهت در جایگاه اجتماعی و آگاهی ادبی به عنوان یک عامل اصلی، عوامل فرعی همچون مخاطبان و موضوع همسان در نامه‌ها را به‌دنبال دارد. هردو ادیب، به دوستان و مقامات عالی‌رتبه نامه نوشته و مسائلی را در اغلب این نگاشته‌ها مطرح کرده‌اند. نظر به دانش و مطالعه گسترده فروغی در ادبیات و سیاست، همچنین شباهت در تصدی منصب دولتی با قائم‌مقام، می‌توان منشآت را از متون مورد تقلید فروغی در نامه‌نگاری به‌شمار آورد.

آنچه سبک نامه‌نگاری ذکاء‌الملک را از قائم‌مقام متمایز می‌کند، تفاوت در شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه این دو نویسنده بزرگ است؛ نگاه واپس‌گرایی بازگشت و نگاه نوگرایی معاصر. ذکر این نکته ضرورت دارد که با وجود اینکه فروغی بر گنجینه غنی مفاهیم تاریخ و ادبیات فارسی تکیه داشته، نه تنها با نوگرایی مخالفت نکرده، بلکه در این راه پیشرو بوده و از امیر مهیم در شمار آوردن مردم و تلاش برای حل مشکلات آنها استقبال کرده است. همین نوگرایی و طرح مسائل روز با محوریت کل جامعه، سبب شده است که نشر فروغی در مقابل منشآت قائم‌مقام، ساده و همه‌فهم‌تر شود. سخن آخر آنکه، فروغی با این شیوه نامه‌نگاری، روش قائم‌مقام را با نگاهی تازه تلفیق و قالبی ایجاد کرد که می‌توان امروزه هم برای نامه‌نگاری دوستانه و هم برای پرداختن به مسائل اجتماعی‌سیاسی از آن بهره برد.

قدرتدانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی پسادکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، مصوب بنیاد ملی نخبگان است و با حمایت مالی این بنیاد و به میزبانی دانشگاه خوارزمی انجام شده است. نگارنده‌گان این مقاله، مراتب تشکر خود را از حمایت بنیاد ملی نخبگان تقدیم می‌دارند.

منابع

- آشوری، هنگامه؛ اسکندری، سپیده؛ اوحدی، مهرانگیز (۱۴۰۱). مقایسهٔ بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). شماره ۷۵: ۱۱۶-۱۰۱.
- ایشانی، طاهره؛ عاملی رضایی، مریم؛ ذکایی، فرشته (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی براساس نظریهٔ کاربردشناسی اصول ادب. /دیبات پارسی معاصر. سال یازدهم. شماره ۱: ۵۳-۳۱.
- بیرنگ، محمدرضا؛ تجلیل، جلیل (۱۳۹۶). بررسی ابعاد استشهاد به عنوان یک آرایهٔ تعلیمی در منشآت قائم مقام در مقایسه با گلستان. زبان و ادب فارسی (نشریهٔ سابق دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز). شماره ۲۳۶: ۵۷-۴۱.
- حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. تصحیح و توضیح: پرویز نائل خانلری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- حسنی، طاهره؛ صحرایی، قاسم (۱۳۹۹). نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم مقام. مطالعات شهریارپژوهی. سال هفتم. شماره ۲۷: ۵۳۰-۵۱۳.
- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۴). محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی. تهران: کویر.
- حراقانی، بدیل‌بن‌علی (۱۳۹۱). دیوان حراقانی شروانی. به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی. چاپ دهم. تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱). امثال و حکم، جلد اول. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. جلد ۱۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). زبان فارسی معیار. تهران: هرمس.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۰). غزلیات سعدی. براساس چاپ محمدعلی فروغی و حبیب یغمایی. به کوشش کاظم برگ‌نیسی. تهران: فکر روز.
- علامی، ذوالفقار؛ کیانیان، فربیا (۱۳۸۹). مقایسهٔ سبکی منشآت قائم مقام و گلستان سعدی. فنون ادبی. شماره ۲: ۱۰-۸۹.
- فروغی، محمدعلی (۱۴۰۰). سیاست‌نامهٔ ذکاء‌الملک: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی. به کوشش ایرج افشار و هرمز همایون‌پور. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- قائم مقام، ابوالقاسم بن عیسی (۱۳۸۶). منشآت قائم مقام فراهانی. به کوشش سید بدرالدین یغمایی. تهران: نگاه.
- مهدوی، بتول؛ خلیل‌اللهی، شهلا؛ شجاع تقی‌آباد، سمیه (۱۳۹۴). کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی. فرهنگ و ادبیات عامه. شماره ۵: ۱۸۵-۲۰۸.

References in Persian

- Âshouri, Hengâmeh; Eskandari, Sepideh; Owhadi, Mehrangiz (2022). A rhetorical comparative study of Golestan of Sa'adi and Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, *Journal of the Stylistics of Persian Poem and Prose* (Bahâr-e- Adab), No. 75, 116-101. [In Persian]
- Allâmi, Zulfaqâr; Kiânîan, Faribâ (2010). The Comparison between Monshaat's Ghaem Magham and Saddi's Golestan, *Literary Arts*, No. 2, 89-110. [In Persian]
- Birang, Muhammad Reza; Tajlil, Jalil (2017). Studying Dimensions and Style of Affidavit as a Teaching Method in Qá'im Maqam's Monsha'at in Comparison with Sa'di's Golestan, *Persian Language and Literature* (Tabriz University), No. 236, 41-57. [In Persian]
- Dehkhodâ, Ali Akbar (1982). *Proverbs (Amsâ'l va Hekam)*, the first volume, 5th ed, Tehrân: Amir Kabir. [In Persian]
- Dehkhodâ, Ali Akbar (1998). *Encyclopedia (Loghatnâmeh)*, vol. 14, 2nd ed, Tehrân: Tehrân University. [In Persian]
- Foroughi, Muhammad Ali (2021). *Siyasat-Name-ye Zoka Al-Molk*: Essays, Letters and Political Speeches of Muhammad Ali Foroughi, by Iraj Afshâr, Hormoz Homâyounpour, Tehrân: Mahmoud Afshar Publications. [In Persian]
- Hâfiz (1983). *Collection of Poems*, by Parviz Nâtel Khânlari, 2nd ed, Tehrân: Khârazmi. [In Persian]
- Haqdâr, Ali Asghar (2005). *Muhammad Ali Foroughi and Modern Civil Structures*, Tehrân: Kavir. [In Persian]
- Hassani, Tâhereh, Sahrâyi, Qâsim (2021). A Study on Educational and Moral Component Elements in Bahârestan of Jâmi and Monsha'at of Qa'im Maqam, *Shahriâr Pajoohi Studies*, Year 7, No 27, 513-530. [In Persian]
- Ishâni, Tâhereh; Zokaee, Fereshteh; Âmeli Rezaei, Maryam (2021). Analysis of Ghaem Magham Farahani's family letters based on the theory of application of the principles of politeness, *Contemporary Persian literature*, Year 11, No 1, 31-53. [In Persian]

- Khâqânî, Badîl ibn' Ali (2012). *Khâqânî Sharvanî's Collection of Poems*, by Seyyed Zia-Al-din Sajjâdi, Tehrân: Zavvâr. [In Persian]
- Mahdavi, Batoul; Khalilullâhi, Shahlâ; Shoja' Taghiâbâd, Somayyeh (2014). Using Slangs, One of Qa'im Maqâm Farahani's Stylistic Features in His Monsha'at, *Folklore culture and Literature*, No. 5, 185-208. [In Persian]
- Qa'im Maqâm, Abu Al-Qasim ibn' Isâ (2007). Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, Edited by Seyyed Badr Al-Din Yaghmâyi, Tehrân: Negâh. [In Persian]
- Sa'dî, Mosleh ibn' Abdullah (2001). *Sa'dî's Sonnets* (Ghazaliât of Sa'dî), by Kâzem Bargnisi, Tehrân: Fekr-e Rooz. [In Persian]
- Sârli, Nâsser Qoli (2007). *Standard Persian Language*, Tehrân: Hermes. [In Persian]